

آن سفر کرده که صلوات فافله دل همرو اوست

از فضیلت‌های الهی نیست.*
* حدیث بیداری؛ ص ۱۹، با تغییر و تلخیص.

لکن چون فرمان امام بود، اطاعت امرشان را کرده و به حج نرفتیم، که همان سال، آن آتش سوزی عظیم اتفاق افتاد».*
* حجت‌الاسلام والمسلمین سجادی، کرامات امام خمینی، ص ۲۸.

شرح عشق



به آرامش عشق، به لطافت نسیم،
به رهایی موج، شکوفاتر از بهار،
درخشان‌تر از آفتاب، نستوه‌تر از کوه، آبی‌تر از آسمان،
سبزتر از جنگل، سپیده‌تر از سپیده و زلال‌تر از آب،
خمینی تمامیت تاریخ بود. مردی که از مرزهای خاک
گذشت و به افلاک پیوست. از او در زمین بسیار گفتند،
می‌گویند و خواهند گفت؛ اما عظمت و حقیقت مردانی
هم چون امام، هرگز چنان که هست توصیف شدنی
نیست و به راستی مگر می‌شود شکوه آفتاب را به وصف
نشست و عشق را شرح کرد.
هر چه گویم، عشق را شرح و بیان
چون به عشق آیم، خجل باشم از آن

رهرو راه امامان



گل‌واژه‌های کلامش و عطر جان‌بخش
جمله‌های پیامش، آدمی را به یاد
سخنان پر شور امیر بیان مولای متقیان، حضرت
علی (علیه السلام) می‌انداخت. بعد از قرن‌ها، تو گویی بر مسند
ولایت، علی را می‌دید که از این جایگاه، دل‌های
کویرگونه آدمیان را از چشمه‌های فیاض کلام خدا،
سیراب می‌کند. خمینی ابر مردی بود که سال‌های
غربت و تبعید را چه زیبا، «حسن» وار صبوری کرد و
چه زیباتر سینه‌های به انتظار نشسته را آماده حلول
محرم کرد.

گویی «حسین» بود که فریادش در مقابل یزید زمان
طنین می‌انداخت و چه با شکوه پیروزی خون بر شمشیر
را نمایان ساخت و ثابت کرد که حسین در هر زمان و
با هر عنوان که ظهور کند، ذلت جهان‌خواران و ابر
قدرت‌های کفر و شرک را موجب خواهد شد.
خمینی تکرار صحیفه‌ای از صحف نور بود؛ او از دیار
«سجود» قدم به عرصه وجود نهاد و از سلسله به پایان
نرسیده درس‌های حوزه «صادق» آل محمد برخاست
تا پیوستگی حضور حجت بر زمین باشد و هر کس که
او را شناخت در زمره کسانی قرار گرفت که «مات
میته جاهلیه».

امام، عاشق نماز و نیایش



عشق ویژه امام به نماز و نیایش شبانه،
جلوه‌هایی از شکوه عارفانه او بود. به
گفته تمام کسانی که با وی محشور
بودند؛ از آغاز قیام و از آن زمان تا روز کوچ ابدی‌اش،
حتی یک شب نماز شب امام و نیایش شبانه‌اش ترک
نشد.

او همان مردی است که وقتی در روزهای پایانی
اقامتش در «نوفل لوشاتو» پاریس، صدها خبرنگار و
فیلمبردار از سراسر جهان برای ضبط آخرین مصاحبه
در فرانسه گرد آمده بودند، دقایقی پس از آغاز گفت‌وگو
به محض رسیدن وقت نماز، مصاحبه را نیمه‌کاره رها
کرد. به راستی کارنامه حیات هیچ رهبری چنین آکنده

خمینی کجایی؟



«خمینی، آخرین تجلی ذوالفقار بود؛
مردی که با ابروانش خیبرهای زمان را
درهم می‌شکست؛ مردی که با لب‌هایش سماع می‌کرد؛
مردی که ظهور کرد تا غیبت را باور کنیم؛ مردی که
سلمان فارسی را به همه زبان‌ها ترجمه کرد، مردی
که با اباذر برادر بود، مردی که با باران‌های موسمی
نیایش، پایان خشک‌سالی بود، مردی که در بازارها
تجلی می‌فروخت و به خیابان‌ها، پرچم هدیه می‌داد؛
مردی که کشاورزی آخرت را رونق داد؛ مردی که ما را
به اوایل آخرالزمان رسانید. خمینی کجایی؟!»
* احمد عزیزی، آن سفر کرده.

شمشیر انقلاب



مجله آمریکایی تایم ضمن تفسیری
با عنوان «شمشیر انقلاب» در یکی
از شماره‌های قدیمی خود چنین نوشته است: «خمینی
سمیل چیزهایی بود که برای غرب درک ناشدنی
می‌نمود. وقتی که رادیو تهران در اوایل این هفته
اعلام کرد که آیت‌الله خمینی، انقلابی بزرگ ایران در
۸۹ سالگی وفات یافت، میلیون‌ها نفر از هم‌وطنانش
در فوت او به سوگواری نشستند. از دیدگاه مردمش،
وی بنیان‌گذاری با چشمان سیاه و محاسن سفید بود
که قلب پند و شمشیر برنده انقلاب‌شان محسوب
می‌شد.»

کرامات امام خمینی (ره)



اولیای حق، با تقوا و معنویت‌های
به‌دست آمده از آن، توانسته‌اند به
کارهایی دست بزنند که از افراد و در حالات عادی
ممکن نیست؛ بدین‌گونه امور - که به معجزه شباهت
دارد - کرامات می‌گویند.

امام خمینی (ره) چنان که از سیمای آن بزرگ مرد هویدا
بود، در زمره اولیای خداوند به‌شمار می‌آمد؛ سلوک
عقلانی و عرفانی و نیایش‌های شبانه‌اش او را در نزد
حق تعالی به مقامی والا رسانده بود. تا آن‌جا که گاه
کرامت‌های بی‌شمار از ایشان مشاهده می‌شد. در این
باره یکی از یاران امام می‌گوید: «ما در یک سالی، حدود
۱۰ یا ۱۲ نفر از رفقا، مهیا بودیم که به سفر حج برویم.
شب از طرف امام پیغام آوردند که رفقای ما امسال به
حج نروند! با این که این حرف برایمان غیرمنتظره بود،

